

علل پیدایش حسد و پیامدهای ناشی از آن در آموزه های دینی

مریم ترکاشوند^۱

چکیده

حسد همان آرزوی از بین رفتن نعمت از کسی که استحقاق آن نعمت را دارد و چه بسا حسادت به همراه نوعی تلاش برای از بین بردن آن نعمت باشد. منشأ اصلی غیبت در اکثر مردم همین حسد است. اصل حسد از گناهان قلب و امراض نفس است و حسود در دنیا نیز به اصل این خصلت معذب است. حسد آن است که زوال نعمت را از محسود خواهد هر کس را که در نعمتی می بیند از این آزوده است که چرا این نعمت را دارد و این ممکن نیست که نعمت خدا از همه کس بی طرف شود. به همین سبب علت های پیدایش حسد و زیان هایی که حسد به جا می گذارد مورد بررسی قرار گرفته تا این خصلت زشت و ناپسند برای همگان شناخته شود و بتوان از آن و همه زیان هایی که دارد دوری کرد. هم چنین مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اطلاعات کتابخانه گردآوری شده است. یافته ها حاکی از آن است که این رذیله اخلاقی علت هایی دارد از جمله: بخل، عداوت، تکبر، حرص و طمع، محبت دنیا، ... علاوه بر این ها مطالبی در مورد زیان های حسد گفته شده که عبارتند از: منفور بودن حسود، کوتاهی عمر، عدم پیشرفت، ایجاد خشم خدا، نابودی خانواده، ...

واژگان کلیدی: حسد، تکبر، پیامد، غیبت، عداوت.

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه معصومیه (B)، mt403919@gmail.com

مقدمه

حسد یکی از بدترین صفات ذمیمه نفس است. اولین معصیتی که در زمین مرتکب شدند معصیت شیطان بود، که باعث حسد بود. حسد سرچشمه بسیاری از گناهان است پس باید آن را شناخت و سعی در رفع آن داشت، تا هرچه بیشتر به هدف خلقت که بندگی خداست، نزدیک شد. از این جهت که در جامعه دیده می‌شود وجود و عدم این صفت چقدر تاثیر دارد، کسانی که دارای صفت مذموم حسداند دچار مشکلات فردی، اجتماعی و ... می‌شوند که اگر این صفت را از خود دور کنند زندگی فردی و اجتماعی بهتری خواهند داشت. اهمیت این موضوع از آن جهت است که بیشتر انسان‌ها برای ترقی و پیشرفت خود در عرصه‌های معنوی لازم است از آن خبر داشته باشند زیرا این صفت مذموم که اظهارش از گناه کبیره است، منافی عدالت است و بخشی از مشکلات خانواده و اجتماع را به وجود می‌آورد.

ضرورت انجام این تحقیق این است که با توجه به اینکه انسان ممکن الخطاست و برخی از گناهان را ندانسته انجام می‌دهد پس باید به دنبال شناخت آنها بود و سعی در رفع آن داشت.

از آن جا که اهمیت بحث در مورد حسد و زیان‌های آن تا حدود زیادی روشن است گفتنی است که افرادی هم به تحقیق و پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند. از جمله کتاب "عرفان اسلامی" تألیف حسین انصاریان که در این کتاب به زیان‌های جسمی و روحی حسد پرداخته شده است.

کتاب "حسد" تألیف آیت الله رضا صدر که در آن به تمامی جزئیات و ابعاد حسد پرداخته شده است و کتاب "معراج السعاده" تألیف ملا احمد نراقی (رحمته الله علیه) که در آن به بحث پیرامون مراتب حسد و تفاوت حسد با غبطه پرداخته شده است.

و اما در پژوهش حاضر قرار است علت‌های پیدایش حسد و پیامدهای ناشی از این رذیله اخلاقی از دیدگاه دین اسلام را مورد بررسی قرار دهیم.

مفاهیم

الف – مفهوم حسد:

– حسد در لغت: زوال نعمت کسی را خواستن، اشک بردن. (معین، فرهنگ فارسی معین، ص ۹۷۴)

حسد در اصطلاح: بد خواستن و آن عبارت است از آرزو کردن زوال نعمت محسود است و یکی از صفات پست انسانی است که از اجتماع بخل و شر نفس حاصل می‌شود. (همان)

ب) مفهوم غیبت:

– غیبت در لغت پشت سر کسی بدگویی کردن و عیب او را گفتن است، بدگویی پشت سر کسی، زشتی یاد، (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۸۹۶)

غیبت در اصطلاح: این است که انسان پشت سر دیگری حرفی زده و عیبی از او را برشمرد که نیازی به بیان آن نبود. (اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۵۷۶)

ج – مفهوم غبطه:

– غبطه در لغت به معنی آرزو بردن به نیکویی حال کسی، نیکویی حال، شادمانی و خوشحالی. (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۸۸۲)

غبطه در اصطلاح آن است که آرزو کند مانند آن نعمت که دیگری به آن متنعم است از آن او باشد. این صفت ممدوح و در حقیقت به دنبال کمال بودن است به خلاف حسد که مذموم و منکر می‌باشد. (حسینی دشتی، معارف و معاریف، ص ۹۲۶)

د) مفهوم بخل:

– بخل در لغت ضد سخاوت، ، بخیل بودن ضد کرم می‌باشد. (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۴۷)

بخل در اصطلاح امساک موجودی است در محلی که نباید امساک شود و در واقع بخیل کسی است که به آن چه که خداوند بر او واجب نموده بخل بورزد. (حسینی دشتی، معارف و معاریف ص ۵۷-۵۸)

حسادت یکی از رذایل اخلاقی است که در تعالیم اسلامی به شدت نکوهش شده و آثار زیان باری برای فرد از جامعه دارد. این خصلت ناپسند به معنای ناراحتی از نعمت‌ها و موفقیت‌های دیگران و آرزوی زوال آن‌هاست. در قرآن کریم و روایات اهل بیت حسادت عامل بسیاری از دشمنی‌ها گناهان و سقوط‌های اخلاقی معرفی شده است.

اسلام با تاکید بر رشد معنوی، توصیه می‌کند انسان‌ها به جای حسادت، با صفای باطن و رضایت قلبی، در پیشرفت دیگران شاد شوند و برای خود نیز تلاش کنند. حسادت از سوی همگان زشت و ناپسند شمرده می‌شود؛ و حتی کسانی که خود هر از گاهی دچار این حالت می‌شوند حسادت دیگری به خود یا دیگران را ناپسند و دور از اصول اخلاقی می‌شمارند این حالت در برخی به شکل حال و در دیگری به شکل مقام ظاهر می‌شود. به این معنا که برخی انسان‌ها در یک فرایند زمانی به علت عدم چیرگی بر نفس اماره خویش به بیماری حسادت دچار می‌شوند و توان مقابله روحی و روانی با آن را ندارند و این حالت در آنان مقیم می‌شود.

عده‌ای دیگر هم به جهاتی ممکن است دچار حسادت شوند اما مهار و کنترل نفس اماره موجب می‌شود تا به شکل بیماری و مقام در آنان در نیاید. در ادامه به برخی از علل و اسباب حسد که همان ریشه‌های حسد می‌باشد اشاره می‌شود. چون حسادت حالت عارضه شیطانی است که در نفس پیدا می‌شود و برای پیدایش آن اسبابی است که باید آنها را شناخت تا از آنها پرهیز کرده و به بیماری حسد دچار نشود.

(۱) خباثت نفس و بخل نسبت به خیر بندگان خدا:

در گوشه و کنار عالم کسانی را می‌یابی که از گرفتاری و رنج و مصیبت بندگان شاد و خوشحال می‌شوند و از راحت و نیکویی حال و وسعت معاش آنان ناراحت و محزون می‌گردند. چنین شخصی هرگاه نگرانی و اضطراب احوال مردم و گرفتاری و ادبار و تنگی معیشت آنان را بشنود و به سبب خبث باطن و رذالت طبع در خود احساس شکفتگی و شادابی می‌کند.

هرچند میان او و ایشان هیچ گونه سابقه دشمنی و رابطه آشنایی نبوده باشد و تفاوتی در حال او از رسیدن به جاه یا مال و مانند این‌ها حاصل نشود و هرگاه خوبی حال و سر و سامان داشتن زندگی یکی از بندگان خدا را بشنود بر او گران می‌آید اگرچه هیچ نقص و ضرری به او نرسد. (نراقی رحمته‌الله)، علم اخلاق اسلامی، ج ۲، ص ۲۶۷

و چنین شخصی هرگاه اضطراب حال مردم و تنگی معیشت و ادبار ایشان را بشنود مسرور و خوشحال می‌گردد و بلکه گاهی بی‌اختیار می‌خندد و شماتت را آغاز می‌کند. این شخص نسبت به نعمت‌های خدا بر بندگان بخل می‌ورزد بدون اینکه قصد و غرضی داشته باشد و یا تصور کند آن نعمت به وی منتقل می‌شود. پس این خوی ناشی از خبث نفس و پستی و پلیدی طبع است و از این رو علاج آن در نهایت دشواری است زیرا سببش خباثت ذات و پستی سرشت است و معالجه امر ذاتی و مقتضای طبع بسیار سخت است، بر خلاف آن چه از اسباب عارضی پدید آید. (نراقی رحمته الله علیه)، علم اخلاق اسلامی، ص ۶۴۷)

(۲) عداوت:

هرگاه کسی از دیگری ستمی ببیند یا یکی از اسباب بغض برایش پیش آید و عفو و گذشت نکند بلکه دشمنی او را در دل جای دهد، دشمنی ریشه برومندی برای حسادت می‌شود و منتظر است او را در بدی و ناراحتی ببیند و دلشاد شود و گرفتاری او را تلافی الهی می‌پندارد و او را و اگر او را در آسایش نعمت ببیند ناراحت و دل تنگ شود اگر ایمان دارد از خدا در گله و شکایت بلکه در خشم است که چرا به دشمن نعمت داد. از من طرفداری نکرد و اگر ایمان ندارد از گردش روزگار وجود فلک می‌داند. (دستغیب، اخلاق اسلامی، ص ۶۴۷)

ملا احمد نراقی رحمته الله علیه در کتاب معراج السعادت چنین بیان می‌کند: عداوت و دشمنی از بزرگترین اسباب حسد است زیرا که هر کس به گرفتاری و ابتلای دشمن خود شاد می‌شود و تمنای نکبت و ادبار او را می‌نماید و هر احدی مگر این یگانه از مقربین درگاه خدا چون از کسی ایذائی به او می‌رسد و او قادر به انتقام نباشد طالب آن است که روزگار، انتقام او را بکشد و بسا باشد که اگر او به بلایای گرفتار شود آن را به جمع کرامت نفس حسود خبیث خود بدهد و چنان گمان کند که نفس زیون حسود او را در نزد خدا مرتبه‌ای هست و اگر نعمتی به او برسد غمناک و افسرده خاطر می‌شود و گاه چنان تصور می‌کند که خود او را منزلتی در نزد خدا نیست که انتقام او را از دشمن بکشد و از این خیال‌ها مرض دیگری سوايه حسد در نفس او حاصل می‌شود. (نراقی رحمته الله علیه)، علم اخلاق اسلامی، ص ۶۴۷)

و این حسادت از روی عداوت را در قرآن مجید از صفات کفار دانسته و خدای متعال می‌فرماید: "...وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ...؛ آنان دوست دارند

سوی شما روی آورده است آن بیماری حسد است که موی را نمی زداید بلکه ایمان را می برد. (عریضی، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۳۷)

جامعه یک مسلمانان داشتند، جامعه عالی و پیشرو بود، زیر بنیان آن به دست رسول خدا افکنده شده بود ولی حسد نگذاشت آنچه را که رسول خدا فرموده بود، عمل کنند؛ بلکه آنچه را که خود خواستند کردند، اگر نقشه رسول خدا اجرا می شد، در اندک زمانی جهان به تصرف سپاهیان اسلام در می آمد، ولی چون نقشه حضرت را بر هم زدند بیش از نیمه ی جهان به دستشان نیفتاد و فتوحات اسلام بیشتر از سی سال ادامه پیدا نکرد. آن هم پس از چند قرن از کفشان رفت. حسد ایمان را از قلب مسلمانان زدود ایمان که رفت همه چیز رفت، زیر آنچه آمده بود بر اثر ایمان آمده بود، علت که برود معلول به دنبالش خواهد رفت. (صدر، حسد، ص ۲۵۲)

۳- از بین بردن همکاری:

از دیگر زیانهای اجتماعی حسد آن است کم کاری را از میان مردم می برد و حس تعاون را می کشد. کسی به کمک دیگری بر نمی خیزد. این موضوع نیز یکی از بزرگترین زیانهای اجتماعی است؛ زیرا موفقیت هر جامعه، بستگی به مقدار همکاری افراد آن با یکدیگر دارد؛ بلکه جامعه تشکیل نمی شود مگر به وسیله وحدت و همکاری افراد. وحدت افراد جامعه، عبارت از همکاری افراد آن در یک راه مقصود می باشد. پس هر جامعه ای که بخواهد پابرجا باشد همکاری لازم دارد، جامعه دینی، همکاری در اجرای مقاصد دینی لازم دارد، جامعه علمی و فرهنگی، همکاری علمی و فرهنگی لازم دارد. جامعه ارتشی، همکاری ارتشی لازم دارد و بدون همکاری هیچ جامعه ای وجود پیدا نمی کند، پیکر انسان اعضای گوناگون دارد چون آن ها با هم یگانه هستند، انسانی یگانه تشکیل می شود.

اعضای هر جامعه ای نیز باید چنین باشد و باری از دوش جامعه بردارند و اجتماعی از احتیاجات را تامین کنند. همه به دنبال یک کار نروند بلکه هر کس فکر کند که چه کاری از او ساخته است یا کدام یک از کارهای جامعه بر زمین مانده است به سراغ انجام دادنش برود. (صدر، حسد، ص ۲۵۳) ولی حسد نمی گذارد همکاری برقرار شود همه می خواهند که مسئولیتی عالی در جامعه داشته باشند.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده در این مقاله در زمینه حسادت، در پی علل پیدایش و پیامدهای ناشی از آن هستیم. چرا که حسد از گناهان کبیره است و عواقب دنیوی و اخروی جبران ناپذیری به دنبال دارد پس لازم است تا حد امکان با این رذیله اخلاقی آشنا باشیم تا بتوانیم از آن دوری کنیم. عامل حسد را در دنیا دوستی و نعمت‌های آن می‌توان خلاصه کرد و گفت منشأ حسد چیزی جز دوستی دنیا و نعمت‌های آن و از سویی ممکن نبودن دسترسی همه مردم به آن نعمت‌ها نیست جز در دو مورد حسد جایز نمی‌باشد.

یکی رشک بردن بر مردمی که خداوند به او مال و ثروت داده و آن را شب و روز انفاق می‌کند و دیگری رشک بردن بر مردمی که خداوند به او قرآن عطا فرموده و او شب و روز به آن می‌پردازد و همچنین آیات و روایات فراوانی دال بر مذموم بودن حسد می‌باشد که زبان‌های بسیار بر جسم و روان افراد حسود می‌گذارد و در نهایت موجب ضعف ایمان و افزایش جنایات می‌گردد و گاهی اسبابی حسب حسادت می‌شوند از جمله: شرک، خفت، تکبر، مزاحمت، بخل و برای حسد مراتبی می‌باشد که خبیث‌ترین مرتبه، میل نفس به برطرف شدن نعمت دیگری می‌باشد. اگرچه از زوال آن نفعی به حاصل نرسد. برای درمان حسد دو راه علمی و عملی وجود دارد فی‌ال‌جمله برای درمان حسد باید اینگونه فکر کرد که دنیا کوچک است و نعمت‌ها بر اساس حکمت تقسیم شده است اگرچه حکمت آن‌ها را ندانیم.

البته این نوع تفکر تفکر راحتی نیست و تنها افراد خاص و معتقدی می‌توانند به حکمت خداوند فکر کنند و هر چیزی را بر اساس علم و آگاهی و حکمت پروردگار ببینند. این گونه دیگر نعمت‌ها و موفقیت دیگران آن‌ها را ناراحت نمی‌کند و هیچ گاه آرزوی زوال آن را نمی‌کنند بلکه به مقدرات الهی که برای هر کسی متفاوت است راضی و خوشنود هستند.

فهرست منابع

* قرآن کریم، حسین انصاری

- ۱- انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶ ه. ش
- ۲- پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، قم، دارالحديث، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ ه. ش
- ۳- حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه. ش
- ۴- دستغیب، عبدالحسین، اخلاق اسلامی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷ ه. ش
- ۵- رسولی محلاتی، هاشم، کیفر گناه و کیفر و عقاب آن، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ه. ش
- ۶- صدر، رضا، حسد، قم، بوستان کتاب، چاپ ششم، ۱۳۷۸ ه. ش
- ۷- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۳ ه. ش
- ۸- عیسی زاده، عیسی، خانواده قرآنی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۴۷ ه. ش
- ۹- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه. ش
- ۱۰- قلی‌پور، قاسم، سی‌گوهر شب چراغ، مشهد، یوسف فاطمه، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ه. ش
- ۱۱- گلستانه، سید علاءالدین محمد، منهج الیقین، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه. ش
- ۱۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، دیبا، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ه. ش

۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالمکتب الاسلامیه، چاپ سی و سوم، ۱۳۸۶ ه. ش

۱۴- نراقی (رحمته الله علیه)، مهدی، علم اخلاق اسلامی، قم، انتشارات قائم آل محمد، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه. ش

منابع عربی

۱- اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن کریم، حسین خداپرست، قم، نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه. ش

۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، دارالکتب اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه. ق

۳- دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه. ق

۴- شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، نجف اشرف، مطبعه الحیدریه، ۱۴۱۳ ه. ق

۵- طباطبایی (رحمته الله علیه)، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هجدهم، ۱۳۵۹ ه. ش

۶- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ه. ش

۷- عریضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه. ق

۸- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه. ق

۹- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه. ش

١٠- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دارالاحیاء و التراث، چاپ دوم، ١٤٠٣ هـ. ق

١١- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول،

١٤٠٨ هـ. ق